



۲۰۱۳/۰۷/۰۹

نجیب داوری

شخصیت های ملی و تلویزیون های بین المللی افغان ها

با پیشرفت معیار العقول ساینس و تکنالوژی طی چند دهه اخیر، از جمله تحولات و پیشرفت های بس گسترده در ساحه رسانه بی و وسایل ارتباط جمعی، زمینه ای فراهم شده تا انسان های روی زمین بهم نزدیک و نزدیکتر شوند. روزگاری اگر برای دسترسی به روزنامه ها، مجلات و غیره نشریه های مشهور و قابل اعتبار جهان در نقاط دور دست، روزها و حتی هفته ها انتظار برده می شد، اما امروز از برکت اختراع کمپیوتر و انترنت، دیگر این انتظار فقط به چند ثانیه و دقیقه محدود گردیده است. همین طور کانال های تلویزیونی مرزها و سرحدات کشورها و قاره ها را در نور دیده، و به آسانی می توان تلویزیون دلخواه خود را در هر نقطه جهان به آسانی دریافت و تماشا کرد، که خوشبختانه تعدادی از روزنامه ها و کانال های تلویزیونی داخل کشور ما و همینطور روزنامه ها و کانال های تلویزیونی که از طرف افغان ها در دیگر نقاط جهان نشر و برودکاست می شوند، نیز شامل این قاعده بوده و هموطنان می توانند در سراسر جهان با استفاده از ستلایت و انترنت، کانال های مختلف تلویزیون و نشریات چاپی داخل و خارج افغانستان را به زبان های پشتو و دری بخوبی دریافت، مطالعه و تماشا نمایند.

در عین حال با ظهور تعداد انبوه سایت های انترنتی، خبری، تحلیلی و همچنان کانال های تلویزیون در داخل و خارج افغانستان و ورود تعداد زیاد نویسندگان و تحلیلگران اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در سایت های انترنتی و کانال های تلویزیونی، در جریان حوادث و اوضاع آشفته و بحرانی کشور، از گرداننده ها و مدیریت چنین سایت ها و تلویزیون ها می طلبید که نباید در چنین لحظات سرنوشت ساز و بحرانی با پخش و آنلاین نظریات سوء، ناخود آگاه آب به آسیاب دشمنان تاریخی و مخربین امنیت ملی افغانستان ریزند.

طوریکه به ملاحظه می رسد تعدادی از کانال های تلویزیون داخل افغانستان، چون تلویزیون ۱ و تلویزیون طلوع دنبالگر هدف و پالیسی مشخصی می باشند؛ با آنکه در مباحثی که در تلویزیون های مذکور براه انداخته می شود، شخصیت هایی با دیدگاه های مختلف سهم می گیرند. ولی دیدگاه و ایدئولوژی گردانندگان تلویزیون های متذکره کاملاً مشخص می باشد. هرچند تلویزیون های فوق الذکر در امر استعمال کلمات و اصطلاحات ناب و عام فهم زبان دری شدیداً دچار مشکل می باشند.

ولی در مجموع عموم تلویزیون ها اعم از داخلی و خارجی، گردانندگانی نیز وجود دارند که با سر در گمی تمام، گاهی به میخ می زنند و گاهی هم به نعل؛ زمانی از اشغال افغانستان توسط نیروهای غربی شکوه سر می دهند و باری هم با خروج احتمالی نیروهای ناتو در سال ۲۰۱۴ گلایه کنان می گویند که کشورهای غربی با خروج شان از افغانستان بار دیگر کشور ما را بحال خود و به همسایه های درنده رها خواهند کرد. همزمان گرداننده های بعضی از تلویزیون ها با برداشتی که خود از دیموکراسی و فضای آزاد سیاسی دارند، با طیف های گوناگونی از شخصیت های سیاسی و اجتماعی مصاحبه و زمینه آنرا فراهم می سازند تا افراد مذکور نظریات شان را از طریق چنین تلویزیون ها ارائه بدارند. ولی باید خاطر نشان ساخت که گردانندگان تلویزیون های مذکور از مصاحبه با افراد مشخص و ضد منافع ملی جداً پرهیز و زیر نام آزادی و دیموکراسی نباید تلویزیون های شان را در خدمت کسانی قرار دهند که از مخربین امنیت ملی و دشمنان مردم افغانستان دفاع و مستقیماً در راستای منافع استخبارات منطقه سخن می رانند.

در شرایط کنونی که موج عظیمی از ذهنیت های کاذب، ساخته و پرداخته سازمان های استخباراتی و اطلاعاتی کشور های همسایه در تقابل با منافع ملی مردم و میهن ما، در هر شهر و ده کشور سایه افکنده و ماهرانه هر سپیدی، سیاه و هر سیاهی، سپید جلوه داده می شود. عقلانیت و منطق سیاسی در سطح نسبتاً وسیع و حتی در مواردی در میان قشر تحصیل کرده شدیداً زیر سؤال رفته؛ تحلیل حوادث و جریانات داخل افغانستان و واقعیت های سیاسی کشورهای جهان و منطقه در قبال کشور ما کاریست نه چندان ساده، که هر ماستر و داکتر در روال حاضر در تحلیل واقعیت عینی کشور از زیر چتر چنین ذهنیت های کاذب نمی تواند مؤفقانه بدر آید. بناءً وقتی می بینیم و

د پاپو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

می شنویم که یکی از ارکان های وابسته به دولت افغانستان با وجود دریافت معاش ماهوار چندین هزار دالری از کمک های دولت امریکا، تحت تاثیر پروپاگند های حاصل از ذهنیت های کاذب استخبارات منطقه، ضمن مصاحبه در تلویزیون طلوع می گوید که «حمله به پایگاه هوایی نیروهای امریکا و نابودی شش طیاره و قتل تعدادی از پرسونل امریکایی در ولایت هلمند کار خود امریکایی ها بوده است» و یا اینکه بعضی ها هر عمل تخریبی گروه طالبان اعم از کشت و کشتار مردم بیگناه را غیر مستقیم به امریکایی ها نسبت می دهند؛ باید دانست که عمق فاجعه در کجاست. چند سال قبل و حتی کنون بنا به همین ذهنیت کاذب روایت خنده آوری بر سر زبان ها بود و است که گویا امریکایی ها جهت بقای نظامی و موجهه نشان دادن موجودیت نظامی شان در افغانستان خود جنگ های ساختگی را سازمان داده و به اساس آن طالبان را اکمالات لوژستیک و نظامی می کنند. ولی حالا آنهایی که ناخودآگاه در پی دامن زدن چنین افواهاات بودند. شاید حد اقل این را درک کرده باشند که نتایج این جنگ های به اصطلاح ساختگی برای موجهه نشان دادن و بقای نظامی کشور های غربی؛ مردم این کشورها را برآن داشت، تا جهت جلوگیری از کشتار فرزندان شان در افغانستان بالای دولت های شان فشار وارد کنند تا عساکر شان را از این کشور خارج سازد. مواردی نیز وجود دارد که وعده بیرون رفت از افغانستان توسط احزاب مخالف در انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی، باعث شکست احزاب بر سر اقتدار در چنین کشور ها نیز گردیده است. در نتیجه عساکر هالندی از افغانستان بیرون رفت، کانادایی ها رفتند، فرانسوی ها رفتند، نیوزیلندی بار و بستره شان را بسته اند و خلاصه تا یکی دو سال دیگر همه خواهند رفت. در نتیجه آنکه تنها خواهد ماند ملت افغان خواهد بود که باز هم بمانند سال های ۱۹۹۲-۱۹۹۵ دهات و شهرهای شان میدان بزکشی و آدم کشی گروه های رقیب مسلح و وابسته به کشورهای همسایه شود. توجه نمائیم که بنیال اوربند میان سوریه و اسرائیل بعد از جنگ سال ۱۹۷۳ بیشتر از ۳۵ سال سربازان کانادایی به عنوان سربازان حافظ صلح در بلندی های جولان وظیفه داشتند. ولی کمتر کانادایی از این موضوع آگاهی داشته، و هیچ کسی هم برای خروج و برگشت سربازان مذکور مظاهره نکرد. و هرگز دولت های برسر اقتداری روی خروج سربازان مذکور از بلندی های جولان تحت فشار قرار نگرفتند. زیرا هیچ سرباز کانادایی در بلندی های مذکور به قتل نرسید و هرگز هم جنگ های ساختگی برای بقا و موجهه نشان دادن سربازان فوق الذکر در بلندی های جولان براه انداخته نشد؟ گذشته از آن همین حالا تعداد کثیری از سربازان امریکا در بیشترین از کشورهای اروپایی، جاپان، کوریای جنوبی، کویت، قطر، ترکیه، امارات متحده عرب و عربستان سعودی وجود دارند. ولی هیچ کسی نشنیده است که امریکا جهت بقا و موجهه نشان دادن موجودیت نظامی اش در کشورهای مذکور جنگ های ساختگی انجام داده باشد. با در نظر داشت آنچه گفته آمدیم شاید بی جهت نبوده باشد که سید محمد خاتمی رئیس جمهور سابق ایران در ماه حوت ۱۳۸۵ هجری شمسی ضمن دیدار با هیأتی از ژورنالیستان افغانی گفت « شاید اشغالگران به نا امنی افغانستان دامن بزنند» لینک ذیل را کلیک کنید.

http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/story/2007/07/070228_s-khatami.shtml

زیرا ارباب قدرت در ایران این را خوب می دانند. که موجودیت قوت های غربی در افغانستان، این کشور در آینده نه چندان دور به قدرت اقتصادی و نظامی منطقه تبدیل و در آنوقت تهران نخواهد توانست گوهر گرانب های آب افغانستان را مفت و مجانی بالا بکشد.

با اینها میهن زخمی و مردم سخت پریشان ما الی رسیدن به ثبات امنیتی، سیاسی و اقتصادی سال های قبل از کودتای ثور به اعصا و یا دستگیری ضرورت دارند تا خود دوباره براه افتند، حالا این شانس کم نظیر برای مردم ما خواهد بود که بزرگترین قدرت ساینس، تکنالوژی، اقتصاد و نظامی جهان بعنوان اعصا یا دستگیر در کنار شان باشد. ولی متأسفانه و شوربختانه که جمهوری های اسلامی ایران و پاکستان با نیت سوء، و شوونیستی ایکه خود به ارتباط آینده مردم و میهن ما در سر می پروراند، از زمان ورود قوت های مذکور الی کنون پیهم دست به سبوتاژ و تحریف قوت های مذکور زده و پیهم در صدد ایجاد توطئه و فضای ذهنیت مجازی علیه قوت های مذکور در افغانستان بوده و پیوسته ذهنیت مذکور علیه قوای یاری صلح ملل متحد در افغانستان که توسط سازمان های استخباراتی و اطلاعاتی کشورهای منطقه با شدت هرچه تمامتر تبلیغ و پکه می شود. در پهلوی این بعضی از هموطنان ما با ایده های تاریخ زده دم و دستگاه شوروی سابق و چین دوران مائو، و تعریف هایی که خود از ارتجاع، امپریالیزم، استعمار، استنمار و غیره و غیره در سر دارند؛ بدون نظر داشت اوضاع و شرایط عینی کشور، دست به سبوتاژ و تحریف قوت های غربی در افغانستان زده و ناخود آگاه آب به آسیاب سازمان های

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

مترصد استخباراتی و اطلاعاتی کشورهای همسایه می ریزند. اما در این میان و با وجود امواج مخرب شایعات، افواها و سبوتاز استخبارات منطقه علیه منافع علیای میهن و مردم ما، خوشبختانه تحلیلگرانی نیز وجود دارند که منصفانه و واقعبینانه در راستای منافع ملت، میهن و مردم قلم و سخن زده، در تلویزیون ها و رادیو ها حاضر، و منطقاً به تشریح اوضاع و احوال میهن می پردازند. در میان طیف نسبتاً وسیع تحلیل گران واقعه گرا - که دلسوزانه در راستای منافع میهن و مردم در تلویزیون ها حاضر و سخن می رانند، فقط به عنوان مثال در داخل کشور از محترم احمد سعیدی، محترم جاوید کوهستانی و محترم محمد یونس فکور و در بیرون افغانستان می توان از محترم عنایت شریف و محترم عارف عباسی نام برد. عنایت شریف مفسر آگاه امور سیاسی و نطق ورزیده رادیو افغانستان که در دوران با سعادت رژیم محمد داوود، پروگرام دنیا، سیاست و رویداد ها را بعد از تهیه، ساعت ۱۲ ظهر هر روز جمعه به خوانندگان تقدیم می کرد؛ از مدت چند سال بدین طرف در تلویزیون پیام افغان هفته یکبار تحت برنامه «افغانستان و جهان در هفته ای که گذشت» تحلیل های بسیار - بسیار مثبت و واقعبینانه به نفع مردم و میهن، ضمن پرسش و پاسخ با گرداننده برنامه (عمر خطاب) و تعدادی از بینندگان، جواب های همه جانبه، قابل قبول و کاملاً روشنگرانه به بینندگان تلویزیون مذکور ارائه می داشت. هر چند تهیه پاسخ های منطقی به سؤالات تعرض آمیز و ناراحت کننده آن تعداد از بینندگانی که مغزهای شان شدیداً و قویاً تحت تاثیر تبلیغات سازمان استخبارات نظامی پاکستان می باشد؛ بدون عصبانیت و تعرض متقابل، به آسانی کار هر مبصر سیاسی نیست. ولی آنطوریکه هموطنان در جریان اند، عنایت شریف با خونسردی کامل و عرض ادب و احترام به طرف مقابل منطقاً به زبان های پشتو و دری به جواب چنین سوال کنندگان پرداخته، شنوندگان و بینندگان تلویزیون مذکور را در روشنایی بهتر اوضاع و احوال کشور و منطقه قرار داده اند. حضور عنایت شریف در تلویزیون پیام افغان با ارائه اوضاع و احوال سیاسی و اقتصادی کشور و تبصره های بجا و روشنگر در مورد، مدرک و الهام وطنخواهانه ای بود برای گروه بزرگی از ملی گرایان و وطنپرستان افغان در داخل و خارج افغانستان که بدنال دست یابی به حقایق در قبال مردم و میهن، در میان امواج تبلیغات سوء سازمان های استخباراتی و اطلاعاتی کشورهای مغرض منطقه، سرگردان می باشند. اما از مدتی می شود که عنایت شریف در پروگرام هفته وار، افغانستان و جهان در هفته ای که گذشت، در تلویزیون پیام افغان حضور نمی یابد. که بدون هرگونه شک و تردید غیبت ایشان در تلویزیون های بین المللی افغان ها، خلای بسیار بزرگی است برای آن تعداد از افغان هایی که در راستای یک افغانستان آزاد، مستقل و سربلند بدنبال دریافت اخبار و تبصره های عقلانی، واقع گرا و مثبت به ارتباط میهن و مردم می باشند. این تعداد هموطنان شدیداً آرزو دارند که محترم عنایت شریف بار دیگر خدمات ارزشمند شانرا در راستایی که در فوق از آن ذکر رفت در یکی از تلویزیون های بین المللی جامعه افغان ها در داخل یا خارج از کشور دوباره از سر گیرند. ناگفته نباید گذاشت که موجودیت شخصیت های شناخته شده ملی و وطنخواه در تلویزیون های بین المللی و یا هر تلویزیون دیگر، در امر تشریح اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی کشور، بطور مستمر می تواند در حصه بلند بردن پرستیژ و اعتبار تلویزیون های مذکور کمک بسزا و شایانی نموده، همچنان عاملی باشد برای جلب کمک های بیدریغ هموطنان در امر تقویه تلویزیون های مذکور در بُعد های مختلف کاری شان.

اوضاع درهم و برهم و آشفته میهن عزیز، ملیگرایان و وطنپرستان را به مدد و یاری می طلبد. یاری به خاطر بقای کشور از چنگ دژخیمان همسایه، که با روپوش دوستی و پیوند اسلامی در پی انهدام کشور ما برآمده اند.

پایان